

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ سپتمبر ۲۰۲۰

مسابقه در دروغ و ستایش!!

پنجشنبه- ۱۳ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه به خبر های امروز دقت نموده باشید، در جمع خبر های مهم یکی هم بازدید "غنی احمدزی" در همراهی با معاون اولش "امراالله صالح" از ولایت پروان بود که ضمن دیدار از مناطق آسیب دیده و چند ملاقات گزینشی وعده هائی نیز به مردم متضرر داد. در یادداشت امروز توجه شما را به همین مورد از دید یک تن از دوستانی که برحسب تصادف امروز در چاریکار بود و می شود گفت، فضاء را از نزدیک مشاهده نموده، مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- طبق معمول تمام مسافرتها و بازدید های "غنی احمدزی" و بقیه عمال دولت دست نشانده که از ترس جان در پناه سرنیزه گارد های مخصوص مسافرت می نمایند، هیأت امروزی نیز چیزی شبیه یک لشکر کشی و حرکت یک فرقه نظامی بود، زیرا به علاوه افراد مسلح ملبس به لباس نظامی با تمام تجهیزات، آنهایی که ظاهراً ملبس به لباس ملکی اعم از وطنی یا فرنگی نیز بودند، از حرکات و "طرز خرام" آنها بخوبی پیدا بود که آنها نیز گاردهای امنیتی رئیس جمهور و معاونش می باشند و همه دست به ماشه، تا در صورت مشاهده کوچکترین حرکت مشکوکی، اطراف شان را به خون بکشند.

۲- خلاف گذشته های دور که حکام و زمامداران حد اقل جهت حفظ ظاهر قضیه، بر ترس خود و نیروهای امنیتی شان غلبه می کردند و بین مردم می رفتند، "غنی احمدزی" و معاونش "امرالله صالح" در عمل ثابت ساختند که آنها بیشتر از طالب و حتا سیل، از مردم افغانستان هراس دارند، از همین رو با بسیار دقت و با در نظر داشت تمام جوانب امنیتی چند تن از خانواده ها و اطفال آسیب دیده را از دور دیده، وعده های چرب و نرم برای آنها دادند. اینها حتا شهامت "ظاهر شاه" و یا "داوود" و جنایتکاران خلقی- پرچمی رانیز نداشتند که در چنین مواقعی دست نوازش بر سر و روی اطفال می کشیدند تا چه رسد به "بشاراسد" که در اوج کشت و کشتار تروریست ها و راکت زنی های تروریسم دولتی اسرائیل و امریکا وقتی بین مردم می رود، واقعاً در کنار آنها می ایستد.

۳- این بازدید با تمام کش و فش و طمطراقی که تعدادی از خود فروخته ها می خواستند در باره اش دادسخن دهند، در نوع خود کاملاً بی نظیر بود، چه به محض آن که "رئیس" و "معاون" یکی به دنبال دیگری عقب میکروفون قرار گرفتند، چنان به تعریف و تمجید هریک از دیگری آغاز نمودند و هریک کوشید تا هفتاد کرسی فلک را زیر پای دیگری قرار دهد، که هیچ کس فکر نمی کرد دلیل حضور در آنجا، دیدار از یک محل ویران و آسیب دیده و صحبت و

دلجوئی از مصیبت دیدگان نیست که برخی از آنها از تمام فامیل ۸ الی ده نفره فقط خودش زنده مانده است و یا کودکان نیست که در آسمان برای آنها ستاره نمانده و در زمین بوریا، نه پدري بر سر دارند، نه مادري، نه خواهر بزرگتری و یا برادر بزرگتری؛ بلکه آن تجمع کلاً به یک نمایش از "مسابقه در دروغ گوئی، لافزنی و ستایشگری" شباهت داشت، چه هریک از سخنرانان بی آزر، در دو ثلث صحبت شان از همدیگر تعریف نمودند.

۴- در صحبت ها، در حالی که "غنی احمدزی" به مانند همیشه تلاش ورزید تا شنوندگان را در خلسه دنیای بهتر و تخیلی فرو برد و از ایجاد نقشه های عریض و طویل برای آینده شهر چاریکار یاد نمود و در آنجا وعده کرد که برای آسیب دیدگان سیلاب اخیر در آن پروژه ها حق اول قایل خواهد شد، به عبارت وطنی ما "بر روی یخ نوشت و مقابل آفتاب گذاشت"؛ "امراشه صالح" که بر مبنای شم استخباراتی اش متوجه شد، "رئیش" در دروغگوئی زیاده روی نموده، بعد از حمد و ثنای اولیه، صریحاً پلانیهای طویل المدت را خاصه "غنی احمدزی" معرفی داشته، خواست از کمکهای عاجل چیزی بگوید. مگر انهم چیزی بیشتر از "کون لچ و نیزه بازی" نبود.

۵- برداشتی را که مردم از این بازدید حاصل نمودند، هرگاه از چند مگس دور بشقاب بگذریم، خیلی منفی بود، چنانچه با چند تن از مردمی که خودم با آنها در تماس شدم و حتا رسانه ها خواستند با آنها مصاحبه نمایند، همه بدون استثناء هزینه این بازدید را بیشتر از تمام کمکهای دولت دست نشانده با آنها دانسته، در حالی که از کمکهای بشردوستانه مستقلانه هموطنان ما از تمام نقاط کشور اظهار سپاس می نمودند، دولت را به خاطر فرستادن ۱۰۰ خیمه برای تمام آسیب دیدگان بشدت محکوم می نمودند.

۶- دلیل این که خلاف برنامه و پلان اولی دولت دست نشانده، که می بایست این باز دید را با بوق و سرنا به خورد مردم کی دادند تا از آن طریق اندکی از خطوط زرد "غنی احمدزی" و باندش را پاک نمایند، برخورد سرد و انتقادی مردم چنان برجسته و گویا بود، که هیچ یک از عمال رسانه ئی دولت دست نشانده قادر نخواهد شد تا چیزی قابل قبول از این دید بازدید نشر نماید.

هموطنان گرامی!

دوستی که من چشمدید و گفته هایش را با شما در میان گذاشتم، از هموطنان هزاره ما بود که کمکهای مردمی خودشان را به آسیب دیدگان انتقال می داد.

این دوست هموطن، کمکرسانی مردمی به آسیب دیدگان پروان را که در بین کمک کنندگان، نمایندگانی از تمام اقوام کشور، هزاره، پشتون، تاجیک، ازبیک و ... وجود داشت، نمود بزرگی از همبستگی ملی و مردمی دانسته، تکامل مواج آن را نه تنها ضربت سختی علیه دشمنان داخلی و خارجی کشور ما می دانست بلکه ضامن بقای کشور و به شکست کشاندن تمام توطئه ها و برنامه های تخریبی دشمنان میهن ما اعلام داشت.

هموطنان گرامی!

بادرنظرداشت صحبت های این دوست هموطن و چشمدید های خودم از آمادگی مردمی جهت کمک به یک دیگر، بیجای نخواهد بود هرگاه به مردمی که چنین به داد یک دیگر می رسند، سر تعظیم فرود آورده، در مسیر وحدت طلبانه رزمنده شان گام گذاریم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!